

هنر قطاعی بان هنر کاغذ

مهدی الماسی

کلیدواژه‌ها: هنر قطاعی، کاغذبری، هنرتای کاغذ.

از گذشته‌های دور، از زمانی که انسان موفق به ساخت کاغذ شد تا روزگار ما، کاغذ یکی از مهم‌ترین اشیا و وسایل در خدمت فرهنگ و هنر بشری بوده است. کاغذ سالیان درازی است که در سینه‌ی خود بخش عظیمی از علم، فرهنگ و هنر اقوام و تمدن‌های ملل مختلف را امانت‌داری کرده و به نسل‌های بعدی رسانده است. کاغذ و کاغذسازی در حوزه‌ی هنر انسانی، دارای ماجرای مفصل است و در هر یک از وادی‌های کتاب‌سازی، نقاشی و خوش‌نویسی و ... داستانی ویژه دارد و حداقل از حیث ابزار و وسیله‌ی کار در هر یک از این هنرها، یکی از پایه‌های اصلی است.

کاغذ به اعتبار انعطاف و ظرافتی که در خود دارد، همیشه وسیله‌ای وسوسه‌برانگیز برای هنرمندان بوده است، زیرا می‌توانسته‌اند با آن بخشی از رویاها و خیال‌های خلاقه‌شان را تجسم بخشند و به عینیت درآورند. ساخت گل‌های کاغذی، هنر تای کاغذ و کاغذبری (قطاعی) از هنرهایی هستند که وجودشان بسته به وجود کاغذ است. متأسفانه تا به امروز در باب چند و چون هنر کاغذبری، به جز کتاب «هنر کاغذبری در ایران» (قطاعی)، تألیف مرحوم یحیی ذکاء، کتابی دیگر در ایران منتشر نشده است. این کتاب در سال ۱۳۷۹ توسط «نشر و پژوهش فروزان روز» در ۲۳۳ صفحه همراه با نمونه‌ی تصاویر آثار هنری به چاپ رسیده است. مؤلف کتاب، مرحوم یحیی ذکاء، از محققان و ایران‌شناسان برجسته بود که مدتی نیز ریاست موزه‌های هنرهای تزئینی، مردم‌شناسی و کتاب‌خانه‌ی ملی را برعهده داشت. از وی مقاله‌های متعدد و کتاب‌هایی در زمینه‌ی فرهنگ و هنر ایران منتشر شده است.

با نگاهی به فهرست کتاب هنر کاغذبری در ایران (قطاعی) معلوم می‌شود که اهتمام مؤلف در باب هنر کاغذبری در ایران بیشتر بر جنبه‌های تاریخی آن و معرفی نام‌آوران هنر کاغذبری در ایران است و این هنر از حیث فوت و فن (تکنیک)، روش‌ها، سبک و دیگر خصایص و ویژگی‌هایی که لازمه‌ی یک هنر است، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. یادآوری این نکته به معنای چشم‌پوشی از ارزش‌های ویژه‌ی این تنها کتاب هنر کاغذبری در ایران نیست که در جای خود بسیار مغتنم و حاصل دقت‌نظرهای تحسین‌برانگیز مؤلفی صاحب تجربه در زمینه‌ی هنرهای سنتی ایران است.

جای تأسف است که به رغم قدمت و پیشینه‌ی طولانی هنر کاغذبری در ایران، استادان در گذشته‌ی این هنر، کتابی در خور درباره‌ی هنر خود تألیف نکرده‌اند.



نگاهی به کتاب هنری در ایران

بی‌شک سنت آموزش شفاهی و انتقال دانش و هنر به شیوهی سینه به سینه از شاگرد به استاد، در پدید آمدن این وضعیت بی‌تأثیر نبوده است. در روزگار پیش از مدرن، ارتباط مریدی و مرادی میان شاگرد و استاد و ایجاد رابطه‌ی دوطرفه در امر آموزش و تعلیم، در کنار تجربه‌ی مستمر فعالیت‌های هنری، احساس نیاز به مکتوب کردن یافته‌ها و تجربیات هنری را به قصد انتقال به دیگران تا حد ممکن کم‌رنگ می‌کرد؛ نیازی که در روزگار ما به شدت احساس می‌شود.

هنر کاغذبری در ایران بیشتر در برش خطوط استادان خوش‌نویس نمود یافته است و به عبارت دیگر، موضوع کار خوش‌نویسی بوده است. اگرچه نمونه‌هایی از نقاشی‌ها و طرح‌های هنری نیز در آثار بازمانده دیده می‌شود. برای روشن‌تر شدن موضوع، اشاره‌ای به شیوه‌ی کار قطاعان خالی از فایده نیست.

هنرمندان کاغذبر ابتدا طرح مورد نظر خود را (که اغلب خطوط خوش‌نویسان نامی بود) به روی کاغذی به رنگ دلخواه انتقال می‌دادند (کپی می‌کردند). سپس آن را با قیچی یا کارد مخصوصی که «سفره» نام داشت، با دقت و ظرافت می‌بریدند و آن را بر کاغذی به رنگ دیگر می‌چسبانند. این برش‌ها با چنان دقتی انجام می‌گرفت که جای خالی طرح‌ها و خطوط نیز می‌توانست با قرارگرفتن کاغذهایی به رنگ دیگر، اثری مستقل به وجود آورد.

در برخی از نمونه‌های کاغذبری خط، هنرمندان کاغذبر ابتدا خطوط را از کاغذی با یک رنگ خاص بریده‌اند و سپس طرح همان خطوط را در کاغذی به رنگ دیگر پیاده کرده و بریده‌اند و خط‌های بریده شده‌ی کاغذ نخست را در جای خالی خطوط بریده شده‌ی کاغذ دوم با استادی بی‌مانندی جاسازی کرده‌اند؛ طوری که سطوح دو کاغذ یکدست به نظر می‌رسد. علاوه بر صاف بریدن کاغذها که به تمرکز بسیار بالای هنرمندان کاغذبر نیاز داشت، چسباندن آن‌ها بر کاغذ زمینه، به نحوی که صاف و یکدست و بی‌اعوجاج باشد، از کارهای دشوار در این هنر بود و تجربه‌ی فراوان و مهارت کافی را از هنرمند طلب می‌کرد.

در هر صورت، اطلاعات بازمانده درباره‌ی هنر کاغذبری، شیوه‌ها و شگردها، ابزار و وسایل، سبک‌ها و روش‌ها و دیگر نکاتی که یک هنر در محل ظهور و بروز خود دارد، بسیار اندک است و آن اندک نیز به صورت جسته و گریخته در کتاب‌های متفاوت، اعم از تذکره‌های هنرمندان و یا مقدمه‌های برخی از مرقعات و یا کتاب‌هایی که درباره‌ی دیگر هنرهای کهن ایرانی نظیر جلدسازی، خوش‌نویسی، تشعیر و تذهیب و ... نوشته شده، پراکنده است.



با وجود گذشته‌ی درخشان ایرانی در هنر کاغذبری، متأسفانه این هنر در ایران منسوخ شده و این در حالی است که در برخی از کشورهای اروپایی، نظیر لهستان و سوئیس - با وجود قدمت کم این هنر در آن کشورها - کاغذبری رونق ویژه‌ای دارد. از جمله، در کشور لهستان به عنوان هنر ملی شناخته می‌شود

هم‌چنان که پیش‌تر اشاره کردیم، مؤلف کتاب هنر کاغذبری در ایران تا حدود حد مقدور و به ضرورت علاقه و اشتغال طی سالیان عمر، کوشیده است هنرمندان کاغذبر ایرانی را در ادوار تاریخ ایران شناسایی و در کتاب خود معرفی کند. او در این کار، با دقت نظرهای محققانه موفق شده است، غبار برخی از اشتباهات و بدفهمی‌ها را از چهره‌ی تاریخی و زندگی چند هنرمند بزداید.

از جمله‌ی این موارد می‌توان به شخصیت دو هنرمند به نام دوست محمد اشاره کرد که یکی از آن‌ها نگارگر و کاغذبر است و دیگری خوش‌نویس و شاعر. تا سال‌ها به اشتباه این دو دوست محمد که نام کامل هر کدام به ترتیب دوست محمد مصور و دوست محمد کوشوانی هراتی است، نزد برخی از تذکره‌نویسان قدیمی و حتی هنرپژوهان معاصر ایرانی و فرنگی، یک نفر تصور می‌شده است. دلایل متقن مؤلف کتاب در تفکیک شخصیت این دو هنرمند گواه روشنی است بر نکته‌سنجی‌های محققانه‌ی وی که لازمه‌ی پژوهش‌های تاریخی در هنرهای ایرانی است.

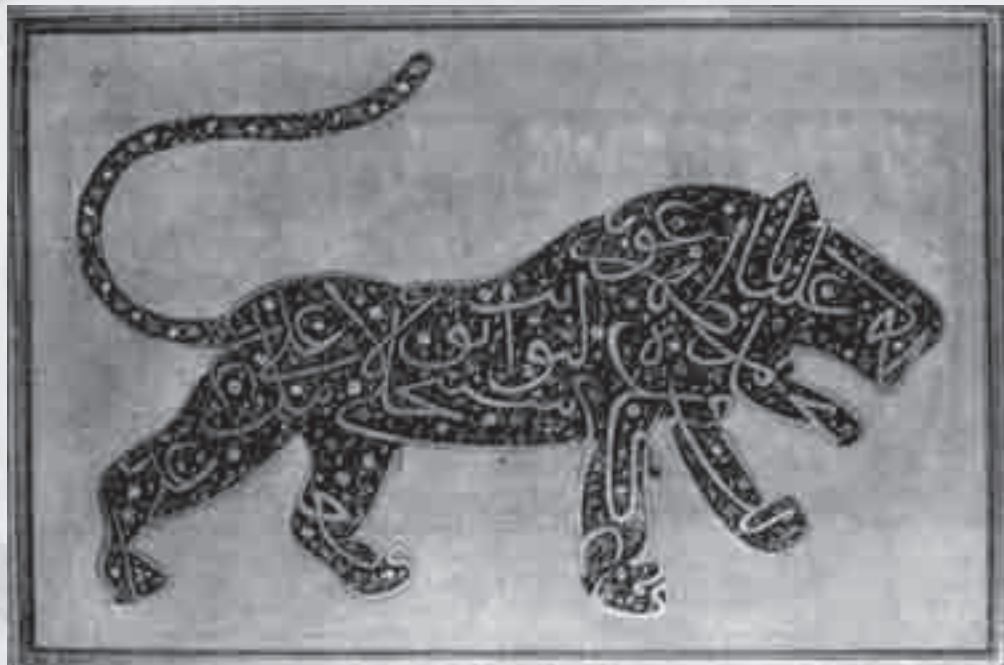
با آن که تعیین قدمت هنر کاغذبری به سادگی امکان‌پذیر نیست و این هنر غیر از ایران در کشورهای نظیر چین نیز قدمت طولانی دارد و در برخی از کشورهای اروپایی رواجی گسترده یافته است، در منابع موجود هنر در ایران، شیخ عبدالله کاتب هروی (متوفی حدود سال ۹۳۸ هـ.ق) نخستین هنرمندی است که نام وی به عنوان هنرمند کاغذبر ذکر شده است. بخش عمده‌ای از کاغذبران و آثار بازمانده از آنان، متعلق به قرن نهم و دهم هجری هستند و انتساب آن‌ها به شهر هرات (هروی) نشان از این حقیقت دارد که هنر کاغذبری در آن سال‌ها رونق بسزایی داشته است.

در آن روزگاران، پادشاه هنر دوستی چون شاه‌رخ در هرات حکم می‌رانده است و شاهزادگانی چون بایسنغر میرزا در مشهد و ابراهیم میرزا در شیراز حضور داشتند و در سال‌های بعد، دربار سلطان حسین بایقرا، مرکز هنرمندان زمان و وزیر هنردوستی نظیر امیر علیشیر نوایی، مشوق هنرمندان بوده است. به علاوه، هر کدام از آنان کتاب‌خانه‌هایی داشته‌اند و در هر کتاب‌خانه جمعی از هنرمندان برگزیده‌ی نگارگر، صحاف، رواق، خوش‌نویس و ... فعالیت می‌کرده‌اند.

در این‌جا مروری بر نام هنرمندان کاغذبری که مؤلف کتاب طی سال‌ها با دیدن آثارشان به شناسایی آن‌ها اقدام کرده است، خالی از فایده نیست و می‌تواند تصویری اجمالی از حیات این هنر در ایران به دست دهد:

- شیخ عبدالله کاتب هروی (متوفی در حدود سال ۹۳۸ هـ.ق)
- دوست محمد مصور قاطعی هروی (۹۵۶-۸۷۵ هـ.ق)
- میر محمد باقر قاطع هروی (متوفی احتمالاً در سال‌های پس از ۹۳۰ هـ.ق)
- دوست مصور (متوفی به سال ۹۶۴ هـ.ق)
- میرمحمد طاهر مجلد (احتمالاً اواخر قرن دهم)
- یاری مذهب هروی (دوران سلطان حسین بایقرا)
- مظفرعلی تربیتی (متوفی در سال ۹۸۴)
- نذرعلی قاطع بدخشی (متوفی سده‌ی دهم هجری)
- میرقاسم مذهب (متوفی سده‌ی دهم هجری)
- علی قاطع (متوفی اوایل سده‌ی یازدهم هجری)
- بیانی تبریزی (متوفی اوایل سده‌ی یازدهم هجری)
- کمال (متوفی سده‌ی دهم هجری)
- ملا قاطعی هروی (متوفی اوایل سده‌ی یازدهم هجری)
- بنیاد تبریزی (متوفی سده‌ی یازدهم هجری)
- علی‌رضا تبریزی (متوفی سده‌ی یازدهم هجری)
- میردوار کیاالحسینی (متوفی سده‌ی یازدهم هجری)
- مراد العباسی (متوفی سده‌ی یازدهم هجری)
- علیقلی ماهر مغانی (متوفی سده‌ی دوازدهم هجری)
- میرزا محمدعلی سنگلاخ (متوفی سده‌ی سیزدهم هجری)
- میرزا محمدحسین یزدی (متوفی سده‌ی سیزدهم هجری)
- ملا محمدتقی اصفهانی (متوفی در سال ۱۳۳۵)
- میرزا حبیب‌الله نظام افشار (متوفی در سال ۱۳۰۹)
- عبدالصمدلله باشی (متوفی سده‌ی چهاردهم)
- محمد مهدی شریف شیرازی (متوفی سده‌ی چهاردهم هجری)
- میرزا احمد تهرانی (متوفی سده‌ی چهاردهم هجری)
- میرزا حسن زرین قلم (متوفی سده‌ی چهاردهم هجری)
- ابوالقاسم خوانساری (متوفی سده‌ی چهاردهم هجری)
- عبدالحسین هزارجریبی (متوفی سده‌ی چهاردهم هجری)

هنر کاغذبری
در ایران
بیشتر در برش
خطوط استادان
خوش نویس نمود
یافته است



حیات دوباره هنر کاغذبری

تربیت و آموزش کودکان و سرگرم‌سازی آنان، نقش ویژه داشتند. در آن زمان، اهمیت ویژه‌ای که امروزه برای آموزش کودکان در نظریات آموزشی و پرورشی مطرح می‌شود، برای قدما با چنین کیفیتی شناخته نبود و به کار با بچه‌ها و برای بچه‌ها، به دیده‌ی تحقیر می‌نگریستند. با وجود این، برخی از هنرمندان کاغذبر به جذابیت این هنر نزد کودکان و نوجوانان پی برده بودند و فارغ از نگاه‌های خاصی که در این زمینه در جامعه وجود داشت، به آموزش این هنر به کودکان اهتمام ویژه داشتند.

نکته‌ی دیگر برای احیای این هنر، خلاص کردن آن از نگاه‌های باسماه‌ای است. در صورتی که علاقه‌مندان هنر کاغذبری با نگاهی خلاقه و نو درصد خلق اثر برآیند، بدون شك آثار خلق شده رنگ و بوی زمانه‌ی ما را پیدا می‌کنند و غبارکهنگی از روی آن‌ها به کنار خواهد رفت. برای رسیدن به این وضعیت لازم است هنر کاغذبری همراه با طراحی و نقاشی معاصر به علاقه‌مندان آموزش داده شود تا از برآیند این دو، آثاری متناسب با زمان پدید آیند.

با وجود گذشته‌ی درخشان ایرانی در هنر کاغذبری، متأسفانه این هنر در ایران منسوخ شده و این در حالی است که در برخی از کشورهای اروپایی، نظیر لهستان و سوئیس- با وجود قدمت کم این هنر در آن کشورها- کاغذبری رونق ویژه‌ای دارد. از جمله، در کشور لهستان به عنوان هنر ملی شناخته می‌شود. با ظرفیت‌های ویژه‌ای که هنر کاغذبری در ذات خود دارد، می‌توان این هنر را در ایران حیات دوباره‌ای بخشید. شاید سهم وزارت آموزش و پرورش در این احیا چشم‌گیر باشد. جذابیت این هنر نزد کودکان و نوجوانان می‌تواند محملی برای برنامه‌ریزی متولیان امر به خصوص مؤلفان کتاب هنر در دوره‌های متفاوت تحصیلی به منظور معرفی این هنر به دانش‌آموزان باشد. تردیدی نیست، در صورت معرفی مناسب این هنر به دانش‌آموزان، علاقه‌مندان فراوانی دست اندرکار خلق اثر در این عرصه خواهند شد. جالب است بدانیم که در گذشته، برخی از بزرگان هنر کاغذبری ملقب به «لله‌باشی» بوده‌اند و در امر